

حقاً باید بودجه تمام وزارتخانه‌ها را بخواهد که برای شش ماه آخر سال بمجلس بیاید و برای قبل از حمل تصویب شود و همین‌طور متحدالمالی بهمه وزارت‌خانهها نوشته شد که بودجه های خودشان را بنویسند و بفرستند اخیراً هم که مستشار کل رسید چنین تقاضایی را کرد و بموجب تقاضای او تا کید شد که اگر تامنت مینویسند بودجه‌های جدید بفرستند وزارت مالیه بودجه سه گذشته را مآخذ قرار داده هیچگونه تغییرات جدیدی را تصویب نمیکند و امید است هر چه زود تر بودجه ها را تهیه و تقدیم نمایند که بنظر کمسیون برسد.

**رئیس -** این لایحه به فروش خالصات را بکدام کمسیون باید رجوع نمود  
**آقای محمد ماهم میرزا**  
(اجازه)

**محمد هاشم میرزا -** بنده تصور می کنم که مربوط بکمسیون بودجه است زیرا مسئله خرید و فروش است و شاید دخالتی در بودجه مملکت کند و معلوم شود که آیا این مصارف لازم است که بشود یا خیر و تشخیص این مطلب با کمسیون بودجه است و سایر کمسیونها مخصوصاً کمسیون قوانین مالیه بی ربط است برای اینکه فروختن خالصات که قانون لازم ندارد

**رئیس -** آقای آقاسید یعقوب  
(اجازه)

**آقاسید یعقوب -** حالا که شاهزاده این طور فرمودند بنده عقیده ام این است که بکمسیون فوائد عامه رجوع شود چون جزه فوائد است.

از طرف نمایندگان مربوط بفوائد نیست.

**آقاسید یعقوب -** این دهواندار هر کس چیزی گفت بکی می گوید بکمسیون قوانین مالیه رجوع شود چون تغییر در مالیات است یکی می گوید چون تغییر در هوادمی شود باید بکمسیون بودجه رجوع شود بنده هم گمان می کنم چون فوایدی حاصل میشود باید بکمسیون فوائد عامه برود.

**سلیمان میرزا -** همانطور که قبلاً عرض کردم این مسئله راجع بکمسیون بودجه است زیرا وقتی دولت خالصات را بفروشد از یک طرف هایدات دولت کم میشود و از یک طرف هم بواسطه بدست آوردن یک منعی بر هایدات دولت افزوده می شود از یکطرف هم وقتی که می خواهند مستریات را بخرند خرج دولت کم می شود و از طرف دیگر یک خرجی بصندوق دولت اضافه می شود. پس همانطور که عرض کردم باید بکمسیون بودجه رجوع شود و کمسیون بودجه اگر برای سال آینده بودجه مملکت را کافی دانست و محتاج ندانست که بفروش برسد و یا اینکه صلاح دانست که امسال هم بارباب مستری حقوقشان را بدهند و چون

خرج اجباری نیست صبر کند تا سال آینده پولی پیدا کنند و بده بخرند بنابراین بعقیده من مربوط بکمسیون بودجه است تا آوردن بودجه کل زیرا تا بودجه کل را نفرستند نمی توان تصمیمی اتخاذ کرد این بود که تقاضا کردم که بودجه کل را زود تر به کمسیون بودجه بفرستند و بعد از مطالعه وقت در بودجه کل اگر کمسیون لازم دانست این پیشنهاد را تصویب کند و اگر لازم ندانست تصویب نمی کند

**رئیس -** آقای سهام السلطان  
(اجازه)

**سهام السلطان -** بنده هم نظرم همین بود که چون مطالبی را که در این لایحه نوشته اند هم از حیث جمع وهم از حیث مصارف راجع بکمسیون بودجه است ولی مسئله را که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که این موکول است بآمدن بودجه کل بعقیده بنده مربوط نیست و این مسائل دیگری غیر از بودجه است و باید مراجعه شود به کمسیون بودجه و در کمسیون مذاکره شده و هر طور که رأی گرفته شد راپرت آن تقدیم مجلس شود

**رئیس -** در ارجاع بکمسیون بودجه مخالفی نیست  
(گفته شد خیر)

**رئیس -** بکدام کمسیون رجوع شود.

**محمد هاشم میرزا -** عرض می کنم همان قسمت مستریاتش را بنده شنیدم و خوب است بقیه اش را هم بخواهند تا به بینم مناسب با کمسیون قدیم است یا جدید تا بتوانم اظهار رأی کنم

**وزیر مالیه -** مصارفی که در نظر گرفته شده یک قسمت راجع است بخرید مستریات و یک قسمت هم سرمایه بانک خواهد شد یک قسمت دیگر بانظردولت تخصیص داده شده است برای بسته شدن سد اهواز بیش بینی کرده اند که منافع حاصله از بسته شدن سد اهواز مبلغ کلی علاوه می شود بر آن مقدار منافعی که فعلاً دولت از خالصات می برد این سد موضوعی است که دولت در نظر گرفته است البته همانطور که آقای سلیمان میرزا گفتند این اتخاذ یک منبع جدید و مصرف برای یک کارهای معینی است و می رود بکمسیون بودجه ولی بعضی لوابعی که بعد راجع باین پول پیشنهاد خواهد شد اگر تصمیم گرفته شد که این مبلغ که پیش بینی شده برای بستن سد اهواز مصرف شود البته لایحه او باید به کمسیون فوائد عامه برود و این دو قسمت دیگرش راجع می شود بکمسیون بودجه

**سلیمان میرزا -** تمام این مطالب و جزئیاتی را که آقای وزیر مالیه شرح دادند قطعی است که در این سه ماه نخواهد شد بملاوه به کمسیون قدیم هم اجازه داده

شد که کارهای ناامامش را تمام کند پس به عقیده بنده راجع می شود به کمسیون جدید.

**رئیس -** در این خصوص مخالفی نیست ؟  
**آقای ارباب کیخسرو**  
(اجازه)

**ارباب کیخسرو -** عریض بنده گفته شد مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد.

**رئیس مجلس موتمن الملک**

**جلسه ۱۷۸**  
**صورت مشروح مجلس**  
**یوم چهارشنبه هفتم برج**  
**قوس ۱۳۰۱ - مطابق نهم**  
**ربیع الثانی ۱۳۴۱ مجلس دو**  
**ساعت قبل از ظهر بر ریاست**  
**آقای موتمن الملک**  
**تشکیل گردید**

(صورت مجلس یوم سه شنبه ششم برج قوس را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند)

**رئیس -** آقای ناظم العلماء  
(اجازه)

**ناظم العلماء -** عجالتاً عرضی ندارم

**رئیس -** آقای آقاسید یعقوب  
(اجازه)

**آقاسید یعقوب -** آقای سردار معظم کردستانی را جزو غائبین بی اجازه نوشته اند و ایشان چند روز قبل بکمسیون شرحی نوشته که مریض هستند کمسیون هم باعتبار ناخوشی تصویب کرده است که غیبت ایشان با اجازه باشد

**رئیس -** گویا نوشته اند یک روزه ؟

**آقاسید یعقوب -** تائیباً نوشته اند (رایورت کمسیون عریض راجع بمرخصی آقای محقق العلماء (شرح ذیل قرائت نمودند)

**کمسیون عریض و مرخصی عریضه تقاضای مرخصی سه ماهه آقای محقق العلماء نماینده محترم فارس راجع بمطالعه قرار داده و مرخصی ایشان را سه ماهه تصویب می نماید که از روز حرکت ایشان محسوب شود**

**مخبر کمسیون حاج میرزا مرتضی**  
**رئیس -** آقای سلیمان میرزا  
(اجازه)

**سلیمان میرزا -** باز بنده با این مسئله مخالف هستم همان قسم که در دوره دوم مجلس با وجود اینکه خودم هم بواسطه قانون غلطی که آنوقت در جریان بود که هر و کیلی اگر فوت یا استعفا می کرد بجای آن وکیل از مجلس انتخاب می شد

انتخاب شده بودم در وقتی که یک نفر دیگر با این قانون انتخاب می شد بر خودم حتم کرده بودم که مخالفتم کنم بالاخره در پایان مجلس عریض بنده مؤثر واقع شد و در قانون انتخابات جدید این ماده لغو شد حالا هم بر علیه این نوع مرخصی با استفاده حقوق هستم و بر خودم حتم کردم و خودم را موظف می دانم که حتی الامکان مخالفت خود را اظهار کنم تا این اشکال هم بر طرف شود و آن این است که بنده این مرخصیها را با این ترتیبی که شروع شده است بکلی برخلاف می دانم اگر آنکسی که مرخصی می گیرد کار خودش را بر کار مجلس مقدم و واجب ترمی داند باید حقوق خودش را تقدیم کتابخانه مجلس کند تا بوسیله کمک این اشخاص کم کم یک کتابخانه داشته باشیم و در ضمن هم یک خدمتی بهوم شده باشد چنانچه شاهزاده نصرت الدوله ه ماه و آقای سردار جنگ یکماه حقوق خود را تقدیم کتابخانه مجلس کردند مسئله دوم اینکه تاریخ مرخصی مقید باشد که اگر مثل شاهزاده نصرت الدوله تشریف بردند مرخصی تمام شود می خواهند بروند می خواهند نروند مثل بعضی از آقایان که مرخصی ها را احتکار کرده در جیبشان گذاشته اند و رفته اند و حالا هم بنده باز تقاضا می کنم چه از مجلس و چه از کمسیون عریض که هر وقت مرخصی با آقایان نمایندگان می دهند هم تاریخ مرخصی معین باشد که از آن روز تصویب مرخصی محسوب شود و هم حقوقشان را تقدیم کتابخانه مجلس نمایند تا باین واسطه هم یک خدمتی بمصارف مملکت شده باشد و هم مجلس دارای یک کتابخانه شود

**حاج میرزا مرتضی** مخبر کمسیون - همانطور که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا مجبورند که مکرراً اظهار مخالفت کنند بنده هم مجبورم بایشان خاطر نشان کنم که نظامنامه داخلی این اجازه را داده است که وکیل یک مدتی را با اجازه از مجلس مرخصی بخواهد با استفاده از حقوقش و بملاوه آقای محقق العلماء تقریباً سه سال و نیم است که از شیراز بطهران آمده اند و آن مدتی هم که مجلس دایر نبود در طهران تشریف داشتند و بکلی از کارهایشان در شیراز بی اطلاعند شاید درهم و برهم شده باشد و والد ایشان هم گویا مریض هستند و چندین تلگراف مغایره کرده اند که ایشان بروند و ایشان مجبور بودند اجازه از مجلس بگیرند و مجلس هم اگر اجازه بایشان بدهند البته با استفاده از حقوقشان می توانند تشریف ببرند و این مطابق نظامنامه است که اجازه داده است و اختیار آنهم بدست و کلاه است اگر تصویب بکنند با استفاده از حقوق می توانند تشریف ببرند و الا ابری است علیحد و کاریکه

برخلاف نظامنامه باشد نشده است که حضرت والا مخالفت می فرمایند و ایشان نمیتوانند نظامنامه تغییر بدهند و مادامی که این نظامنامه در دست است ما مجبوریم مطیع آن باشیم و هیچ اشکالی در بین نیست نماینده که سه سال ونیم در طهران است سه ماه مرخصی داده شود تا برود کارهایش را انجام دهد و دوباره مراجعت کند و آنکهی همه نمایندگان هم بقدر کفایت در مجلس هستند و از رفتن ایشان ضرری وارد نمی آید و مجلس از اکثریت نمی افتد و بنده از حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا تقاضا می کنم با نظامنامه موافقت فرموده بیش از این مخالفت نفرمایند

رئیس . مذاکرات کافی است (گفته شد کافی است)

رئیس . آقای دستغیب مغالید دست غیب . خیر موافق هستم  
رئیس . آقای آقا سید یعقوب موافقید ؟

آقا سید یعقوب . بدیهی است موافقم  
رئیس . آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو . بنده خواستم يك توضیح مختصری بدم راجع به حقوق حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله که شاهزاده سلیمان میرزا اظهار فرمودند عرض میکنم که ایشان اهم از اینکه تشریف ببرند یا نبرند آنرا تقدیم کتابخانه مجلس کرده اند و اداره مباشرت هم که کسر میکنند و از اینجا ضرری وارد نشده است (صحیح است)

رئیس . رأی می گیریم برخصی سه ماهه آقای محقق الملماء

سلیمان میرزا . بنده توضیحی قبل از رأی دارم  
رئیس . بفرمایند

سلیمان میرزا . آقای حاج میرزا مرتضی تصور می فرمایند که بنده عرض کردم کمیون عرایض برخلاف نظامنامه داخلی رفتار کرده است که می فرمایند مطابق نظامنامه است بنده عرض می کنم خودم وکیل بودم با قانون غلط و می لایق قطع تکرار کردم تا مجلس هم بسا من موافقت کرد و آنماده را لغو کرد حالا هم این ماده چون غلط است با داشتن اینکه موافق نظامنامه است آنقدر تکرار میکنم تا در موقع تغییر و اصلاح نظامنامه داخلی اینماده حذف شود

رئیس . رأی می گیریم برخصی سه ماهه آقای محقق الملماء که از روز حرکت محسوب شود آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)  
رئیس . تصویب شد

( راپورت کمیون عرایض را راجع برخصی چهل و پنج روزه آقای عماد السلطنه

طباطبائی را آقای مستشار السلطنه بشرح ذیل قرائت نمودند)  
کمیون عرایض هر بینه تقاضای چهل و پنج روزه آقای عماد السلطنه نماینده محترم اصفهان را تحت شور در آورده چون نماینده محترم حقوق خود را تقدیم کتابخانه مجلس نموده است کمیون مرخصی ۴۰ روزه ایشان را بدون استفاده از حقوق خود تصویب می نماید

رئیس . آقای سلیمان میرزا ( اجازه )

سلیمان میرزا . حالا آقای حاج میرزا مرتضی ملاحظه خواهند فرمود که این مخالفت بنده چه خدمتی است بکتابخانه مجلس چنانچه ایشان فوراً تغییر دادند با وجود این که . . .

عماد السلطنه . بنده از اول همین طور تقاضا کرده بودم .

سلیمان میرزا . خوب یا از قبل یا از حالا يك خدمت بزرگتر است که به کتابخانه

مجلس می شود و تشکر باید کرد و برخلاف نظامنامه هم رفتار نشده است و مجلس هم دارای يك کتابخانه شده است و برای بسط و تعمیم معارف خیلی خوب است و اگر سایر آقایان هم این اقدام را بفرمایند کتابخانه مجلس دائر خواهد شد و يك قدم بزرگی برای پیشرفت معارف برداشته می شود ولی خواستم عرض کنم که معین فرمایند از چه روزی محسوب میشود این راهم معین فرمایند دیگر عرضی ندارم

عماد السلطنه طباطبائی . از روز هشتم برج قوس

رئیس . از هشتم قوس باشد ؟  
عماد السلطنه طباطبائی . بلی بلی

رئیس . رأی می گیریم برخصی ۴۰ روزه آقای عماد السلطنه طباطبائی از هشتم قوس آقایانی که تصویب می فرمایند قیام نمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)  
رئیس . تصویب شد

( لایحه راجع بر فراری حقوق در حق آقای امام الحکماء را آقای مستشار السلطنه بشرح ذیل قرائت نمودند )

کمیون بودجه لایحه ۹۴۳ دولت را راجع بهشتاد تومان حقوق تقاعدی آقای امام الحکماء تحت مطالبه در آورده نظر بخدمات سابقه و نصف مزاج و استحقاق ایشان علی الخصوص بعد از غارت اموال مشارالیه که در موقع مراجعت از عراق واقع شده در این موقع کمیون بودجه رعایت حال ایشان را تصدیق و غصت تومان شهریه بمنوان حقوق تقاعدی تصویب و در جزء بودجه وزارت جلیله عدلیه منظور نمود

رئیس . آقای آقا میرزا اهل ( اجازه )

آقا میرزا علی کازرونی . راجع به حقوق تقاعدی این آدم که نوشته اند و بنده

ایشان را ابداً نمی شناسم يك قانونی برای حقوق تقاعد یعنی قانون استخدام از مجلس گذشت و بنده نمی دانم باین که این قانون از مجلس گذشته تعیین حقوق تقاعدی برای اشخاص مجهول الهویه (در نزد من نسبت بخودم) از روی چه مأخذ و چه ترتیب است ؟

اگر این قانونی که از مجلس گذشته است متبع است چرا نیاستی رعایت بشود در هر حال بنده در تحت عنوان این که خدماتی کرده و یا بپر و مفلوک شده و از این گونه عبارات برای تعیین حقوق کافی نمی دانم و گمان نمی کنم کافی باشد باید معلوم شود چند سال است خدمت کرده و از چه قرار خدمت کرده و حقوق سابقش چقدر بوده است تا ما ببینیم که آیا شایسته است که حقوق تقاعدی بدهیم یا نه ؟ مستحق است یا نه ؟ در هر صورت کاملاً بنده مخالف هستم .

رئیس . آقای حاج میرزا مرتضی ( اجازه )

حاج میرزا مرتضی . بنده هم مخالف هستم .

رئیس . آقای آصف الممالک ( اجازه )

آصف الممالک . در چندین قبل هم که این لایحه بمجلس آمد بنده شرحی از خدمات و استحقاق آقای امام الحکماء عرض کردم حالا هم عرض می کنم ایشان مدت پنجاه سال است باین مملکت آمده و از اهل هندوستان و در واقع مهمان ما است و در این مدت هم مشغول خدمت به این مملکت بوده است و اخیراً هم در وزارت عدلیه مستخدم بوده است و چندین قبل از عراق مسافرت می کرده است تمام دارائی او را سارقین در بین راه برده اند و دولت هم تاکنون موفق نشده است اموال او را مسترد بدارد حالا هم بدین که وادرسیده است منزلت حالاهم حاضر است شخصاً در عدلیه کار کند ولی وزیر عدلیه این طور صلاح دیده که باو حقوق تقاعدی داده شود و هیچ منافاتی هم با قانون استخدام ندارد زیرا او در جزء قضات است و حقوق تقاعدی هم حالا باید باو داده شود تا در موقع شروع با اجرای قانون استخدام بر ترتیباتی که مقرر است می دهند علی ای حال باید او را از این فقر و فلاکت نجات داد و نگذاشت این طور اشخاص که مهمان هستند از بی چیزی و فقر تلف شوند بنده تعجب میکنم از آقایان که در بعضی مواقع که نباید يك چیزی را تصویب نمایند تصویب می کنند و در بعضی مواقع بعکس یکی که بدبخت و بیچاره باد و نفر عیال و اطفال باید همیشه و گذران نماید و در این مملکت با نهایت سختی باید امورات عیال و اولاد خودش را اداره کند مخالفت می فرمایند بنده بر خلاف مواظف و عقیده ام این است که این

حقوق بامام الحکماء داده شود چون هم مستحق است و هم چندین سال خدمت نموده است

رئیس . آقای حاج میرزا مرتضی اجازه

حاج میرزا مرتضی . بنده تعجب می کنم از آقای آصف الممالک که می فرمایند امام الحکماء مهمان است و دزد اموال ایشان را برده است و در عدلیه بوده و چه بوده حالا دولت يك مبلغ حقوقی باید بایشان بدهد ؟ اگر دولت بخواهد مهمانی کند خیلی فقیر در این مملکت هست و باید دولت يك بودجه هر بینه و طویلی برای مهمانها ترتیب بدهد و بمجلس بفرستد اگر از دزد زده ها باید مهمانی و پذیرائی کند دزد زده هم خیلی در این مملکت هست پس باید همه پول بدهند اینها دلیل نمی شود کسی که يك مدتی در عدلیه بوده بی جهت باو حقوق تقاعد بدهند اگر او متقاعد شده است و مطابق قانون استخدام بعد تقاعد رسیده است که باید به بینند حقوق متوسط ۳ ساله اخیر او چقدر بوده است و بهمان مراتب مقرر در قانون استخدام باو حقوق بدهند و اگر بعد تقاعد رسیده است در صورتی که دولت لازم می داند باو حقوق بدهد يك کاری هم باو بدهد و از او استفاده نمایند اینک نمی شود هر کس را دولت پیشنهاد کرد تصویب کنیم آخر از کجا باید داده شود ؟

این پول های مفت را دولت از کجا بیاورد بدهد ؟ آقای وزیر عدلیه ۶۰ تومان حقوق تقاعدی برای ایشان پیشنهاد کرده اند در صورتی که بنده عرض میکنم ایشان هنوز بعد تقاعد نرسیده اند و می توانند کار کنند بچه فاعده باید حقوق تقاعد بایشان داده شود ؟ بنده با این اساس بکلی مخالف هستم مادام که دولت مطابق قانون استخدام پیشنهاد نکرده است مخالف هستم و باید وزیر عدلیه ببیند آیا موافق قانون استخدام بعد تقاعد رسیده است یا نه ؟ و الا بعنوان این که مهمان است و دزد زده است و آدم خوبی است نمی شود حقوق داد چون در این مملکت مهمان خیلی است و دزد زده هم خیلی هست پس شما می تصویب کنید که دولت پول بدهد آخر از کجا گرفته میشود ؟ آیا می دانید از چه کسانی این پولها گرفته میشود ؟

از آن فقیر بیچاره ، بیروز بدبخت ، رعیت بیچاره مفلوک بگیرند و ما هم يك ماهه تصویب کنیم ؟ اینکه وضع ترتیب نشد بنده بکلی مخالف هستم

رئیس . آقای حاج مغیر السلطنه ( اجازه )

حاج مغیر السلطنه . عرض کنم امام الحکماء يك آدمی است که از ۵۰ سال قبل بایران آمده و هندی بوده است و در



زمان شجاع السلطنه مرحوم ۸ سال طیب نظام بوده است بعد از آن در ۲۸ سال قبل بر حسب فرمانی که پدر بنده صادر کرد حافظ اصحه کوهستان شد از ۲۸ سال قبل تا بهال مشغول خدمات برای این مملکت بوده است تا بعد که وارد عدلیه شده و آنجا هم خدمت کرده است اخیراً گویا در کلیایک منسوب بوده است در موقع مراجعت از خدمت دولت اسبابش را هم دزد برده و این آدم بقتیه بنده آدم خوبی است و کار ابدی است و قریب ۴۵ ، ۵۰ سال است که باین آب و خاک خدمت کرده است حالا هم بیر و مفلک و هیال بار شده است تقاضای حقوق تقاضای هم ندارد مگر از من التماس می کند که از من کار می آید و حاضر برای خدمت دولت یک کاری در عدلیه که سابقه دارم بمن بدهید که مشغول باشم ولی کار نیست وزیر عدلیه هم بخدمت او آگاه است که پیشنهاد کرده یک حقوق تقاضای باو بدهند و بنده حساب کردم از روی این قانون تقاضای که نوشته شده است و از اول حمل مجری است تقریباً ۵۰ تومان باین آدم حقوق تقاضای می رسد و اینکه قدری بیشتر از این مبلغ در باره او منظور کرده اند بواسطه این است که داروندان او را هم دزد برده است و چیزی ندارد و اینکه می فرمایند غریب است و همان است اینها هم نه این است که بمنظر نظریه سیبون نباشد خبر آنهاست که مملکت را اداره می کنند همه چیز را ملاحظه می کنند علی ابدال بنده کاری بر نریب یا هممان بودن ایشان ندارم ولی بموجب قوانینی که در دست این شخص هست و خود بنده کاملاً اطلاع دارم و فرمایش را هم پدر من صادر کرده است می دانم که این آدم مدت ۵۰ سال است باین مملکت خدمت کرده است و امروز هم برای خدمت حاضر است ولی کاری نیست حالا یا باید حقوق انتظار خدمت باو داد تا کار برایش پیدا شود یا حقوق تقاضا داد تا برود بی کارش و بقیه بنده خیلی بجا است و بایستی این حقوق باو داده شود

**رئیس -** مذاکرات کسانی است یا نه؟

حاج شیخ اسدالله - بنده یک سوال داشتم .

**رئیس** رأی میگیریم که مذاکرات کافی است یا نه آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

( جمع کثیری از نمایندگان قیام فرمودند )

**رئیس** - معلوم میشود کافی است - رأی می گیریم بفرموده رایت کسیون آقایانی که تصویب می کنند و رفته سفید و الا کبود خواهند داد

زمان شجاع السلطنه مرحوم ۸ سال طیب نظام بوده است بعد از آن در ۲۸ سال قبل بر حسب فرمانی که پدر بنده صادر کرد حافظ اصحه کوهستان شد از ۲۸ سال قبل تا بهال مشغول خدمات برای این مملکت بوده است تا بعد که وارد عدلیه شده و آنجا هم خدمت کرده است اخیراً گویا در کلیایک منسوب بوده است در موقع مراجعت از خدمت دولت اسبابش را هم دزد برده و این آدم بقتیه بنده آدم خوبی است و کار ابدی است و قریب ۴۵ ، ۵۰ سال است که باین آب و خاک خدمت کرده است حالا هم بیر و مفلک و هیال بار شده است تقاضای حقوق تقاضای هم ندارد مگر از من التماس می کند که از من کار می آید و حاضر برای خدمت دولت یک کاری در عدلیه که سابقه دارم بمن بدهید که مشغول باشم ولی کار نیست وزیر عدلیه هم بخدمت او آگاه است که پیشنهاد کرده یک حقوق تقاضای باو بدهند و بنده حساب کردم از روی این قانون تقاضای که نوشته شده است و از اول حمل مجری است تقریباً ۵۰ تومان باین آدم حقوق تقاضای می رسد و اینکه قدری بیشتر از این مبلغ در باره او منظور کرده اند بواسطه این است که داروندان او را هم دزد برده است و چیزی ندارد و اینکه می فرمایند غریب است و همان است اینها هم نه این است که بمنظر نظریه سیبون نباشد خبر آنهاست که مملکت را اداره می کنند همه چیز را ملاحظه می کنند علی ابدال بنده کاری بر نریب یا هممان بودن ایشان ندارم ولی بموجب قوانینی که در دست این شخص هست و خود بنده کاملاً اطلاع دارم و فرمایش را هم پدر من صادر کرده است می دانم که این آدم مدت ۵۰ سال است باین مملکت خدمت کرده است و امروز هم برای خدمت حاضر است ولی کاری نیست حالا یا باید حقوق انتظار خدمت باو داد تا کار برایش پیدا شود یا حقوق تقاضا داد تا برود بی کارش و بقیه بنده خیلی بجا است و بایستی این حقوق باو داده شود

**رئیس -** مذاکرات کسانی است یا نه؟

حاج شیخ اسدالله - بنده یک سوال داشتم .

**رئیس** رأی میگیریم که مذاکرات کافی است یا نه آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

( جمع کثیری از نمایندگان قیام فرمودند )

**رئیس** - معلوم میشود کافی است - رأی می گیریم بفرموده رایت کسیون آقایانی که تصویب می کنند و رفته سفید و الا کبود خواهند داد

( اخذ آراء بعمل آمد آقایان مستشار السلطنه و کازرونی استخراج نموده بشرح ذیل نتیجه حاصل شد )  
عده حضار - ۸۲ ورقه سفید علامت قبول ۵۳  
**رئیس** - عده حضار ۸۲ با کثرت ۵۳  
رای تصویب شد  
( لایحه راجع به برقراری حقوق تقاضای در باره ۹ نفر صاحب منصب وزارت جنگ بشرح ذیل قرائت شد )  
کمیسیون بودجه لایحه ۳۶۵۱ دولت را راجع بعقوق تقاضای ۹ نفر صاحب منصبان قدیمی وزارت جنگ تحت مطالعه وقت در آورده ماده واحده ذیل را تصدیق و برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید  
ماده واحده - مجلس شورای ملی مبلغ سیصد و چهل و یک تومان حقوق تقاضای در باره ۹ نفر صاحب منصب های قدیمی وزارت جنگ بشرح ذیل تا موقع نوشتن قانون استخدام لشگری از مجلس شورای ملی تصویب می نماید و پس از تصویب قانون مزبور مشمول مواد آن خواهند بود

سهام نظام	۵۰
مشاور نظام	۳۰
لواها السلطنه	۵۰
یاور صادقان	۳۰
صدیق الملک	۵۰
میرزا عنایت الله خان	۵۰
معتدلشکر عضو قلمی	۱۵
سالار معتدل	۵۰
نورعلی وکیل توپخانه	۶
میرزا تقی خان سرتیپ	۱۰

**رئیس آقای مساوات**  
( اجازه )  
**مساوات -** لایحه دولت بالا لایحه کمیسیون اختلاف دارد در لایحه دولت آقای میرزا سید ابراهیم خان یک نفر از صاحب منصبان توپخانه بوده است و آنجا نوشته نشده نمی دانم نظریه کمیسیون از این جهت چه بوده است

**حاج نصیر السلطنه -** دولت دو لایحه پیشنهاد کرده یکی ۹ نفر پیشنهاد کرده که همین لایحه فعلی است که حالا مطرح است

دیگری دوازده نفر است که هنوز کمیسیون رایورت نداده است شاید اسم این صاحب منصب در آن لایحه نوشته شده باشد

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب مخالفید؟  
**آقای سید یعقوب -** خیر

داده شده است که می تواند بعد از آنکه مدتی عملیات اکتشافیه کردا گردیدند نقطه اندازه کافی نیست معامله را واگذار نماید در این موضوع البته تصدیق می فرمایند که کمیانی لازم نیست عملیات خود را امتداد دهد یعنی اگر دیدم موضوع و مقصودش حاصل نمی شود و نقطه از اینجا بپایا نمیکنند همین طور کار بی فایده را ادامه بدهد باید برای اویک اختیار لغو هم داد و یک موعدهی که برای عملیات اکتشافیه او کافی باشد باید قائل شد و برای این مدت ۳ سال در نظر گرفتیم که بعد از آنکه ۳ سال عمل های اکتشافیه کرد و عملیات سطح الارضی را بعمل آورد و اگر دید در تمام این ۴ یا ۵ قسمت نقطه بمقدار کافی نیست حق دارد واگذار کند اما مسئله تانی که آقای حائری زاده فرمودند که در پیشنهاد اول دولت یک مبلغی معین شده بود که کمیانی حتما باید آن مقدار را خرج کند اگر آقا درست ملاحظه فرمایند آن مبلغی که معین شده بود تقسیم شده بود بیک عده معینی و گمان میکنم از ۲ سال هم بیشتر بود گویا هشت سال مدت قرار داده بودند هلت اینکه این مسئله ذکر نشد این بود که در کمیسیون یک توضیحاتی از آقای رئیس الوزراه خواستند ایشان هم لازم دانستند باید توضیحاتی جدیداً از امریک و متخصصین این امر بخواهند و چنانچه بنده فرموده معلوم می شود که بعد از آن توضیحاتی که خواستند همان مبلغ یا مبلغ دیگری باید قید شود که در بین الشورین در کمیسیون این اصلاح همان طوریکه آقای حائری زاده در نظر دارند خواهد شد

**رئیس -** آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - همان طور که قبل از بنده گفته شد یک قسمت اشکال بنده راجع ب مبلغ پولی بود که برای مصارف مقاماتی باید خرج کند و آقای مخبر وعده دادند که در ضمن بین الشورین اصلاح خواهند کرد و لهذا بنده این موضوع را دیگر تکرار نمیکنم .

اما مسئله دیگری که باقی میماند این است که قبلاً بعض مواد را برای استخراج خاطر آقایان و تطبیق آن با امتیاز چک اسلوواکی می خوانم .

( ماده هفتم - در صورتیکه بعد از ۳ سال عملیات اکتشافیه خبر گان صاحب امتیاز معلوم نمودند که نقطه بمقدار کافی و قابل تجارت که مستلزم عملیات باشد در ایالات و ولایات خمسسه یافت نمی گردد صاحب امتیاز می تواند امتیاز را بوسیله یادداشت کتبی بدولت واگذار نماید در آن صورت از تاریخ امتیاز بلا هوس و بدون تقاضای خسارات بدولت مسترد و مقررات و حقوق و الزامات و امتیازات آن

ساقط و بی اعتبار خواهد بود بملایه مقرر است که در موقع چنین واگذاری و التاء امتیاز صاحب امتیاز دیگر بهیچوجه حق تعقیب عملیات خود را راجع با استخراج و تشخیص نقطه در حدود ایالات و ولایات خمسسه مذکور نخواهد داشت )  
توسط این ماده صاحب امتیاز حق می دهد که بعد از آنکه ۳ سال عملیات کرد و خبر گان او معلوم کردند که تعقیب عملیات نتیجه نبراهند داشت می تواند بوسیله یک یادداشت کتبی امتیاز را بدولت ایران مسترد دارد و در ذیل او هم شرط کرده است که از بابت مغایرتی که او کرده است حق خسارتی از دولت ایران ندارد .

حالا ببینیم در قرار دادی که از چک اسلوواک ترجمه شده است و آن ها خبر گان زیاد و مهندسین و متخصصین زیاد تر از ما داشته اند که یکی از پیشنهاد کنندگان امتیاز نقطه است چه فراری گذاشته اند که ما هم آن مواد را بخواهیم ما هم چون نظرمان خیر مملکت خودمان است شاید بتوانیم از آن موارد استفاده کنیم حالا من این مواد را می خوانم .

فصل بیست و دوم چنانچه کمیانی پس از صرف مبلغی که در فصل دهم ذکر شده از تعقیب عملیات خود صرف نظر کند باید قبلاً بدولت مسئله را کتبا اطلاع دهد پس از آن چنانچه باین ترتیب قرار داد منحل شود دولت حق خرید سهام کمیانی را موافق شرایطی که در فصل سابق ذکر شد خواهد داشت

در این امتیاز نامه چند چیز در نظر گرفته شده است اولاً تنها راه لغو کردن امتیاز را بکمیانی نداده است ما هم در صورت دیگر راه لغو کردن امتیاز را در صورت تصویب کمیانی داریم تا نیا فید کرده است که مبلغ ۵۰ میلیون کورون مغایر نماید و در فصل دهم که الان می خوانم ذکر میکند .

فصل دهم - عملیاتی که در ظرف ۵۰ سال اول باید انجام بگیرد .

کمیانی متعهد است که بدون فوت وقت یک دسته مهندس متخصص برای تفتیش اراضی نفت بده متعلق بدولت اعزام نماید کمیانی در مدت پنجسال اول تشکیل خود کلیه عملیات و تفتیشات لازمه را که منجر با استخراج نفت بشود صورت خواهد داد و برای رسیدن باین مقصود متعهد است که در ظرف این پنجسال پنججاه میلیون کورون مغایر نماید .

در این سه سال که به کمیانی اجازه کشف می دهند یا به عبارت آخر آنهاست که قدر وقت و زمان را می دانند و مثل مملکت ما نیستند در آن مدت دو سه سال مدد خودشان را با اختیار او می گذارند بعد از سه سال که او بخواهد شروع به کار کند

پنججاه میلیون کورون بایستی در این مملکت خرج کرده باشد وقتی که کمیانی پنججاه میلیون کورون در این مملکت خرج کرد آن وقت باین سهل و سادگی خودش را کنار نمیگذرد و باندازه پنججاه میلیون منند است .

در مملکت ما که خیلی سوءظنه است اگر نظریات سیاسی در بین آمد باید ضررهای خود را متحمل شود از آن گذشته بواسطه صرف شدن پنججاه میلیون سرمایه میلیون بر سرمایه اهالی افزوده شده است بملایه وقتی ماده دیگر را ملاحظه فرمایند یعنی فصل سوم که در موضوع سرمایه کمیانی است در آنجا قید شده است که سرمایه اصلی کمیانی صد میلیون کورون است و بترتیب ذیل تقسیم می شود اولاً سی میلیون از آن سرمایه حق دولت است وقتی که این امتیاز را می دهد در بند امر اولاً سی میلیون کورون از برای صندوق دولت می گیرد یعنی همین قدر که این امتیاز را امضا کرد سی میلیون کرن میماند و بلا عوض بصندوق دولت های پی افزوده می شود بعد هم در ظرف پنجسال اول پنججاه میلیون کورن در مملکت خرج کرده اند و آنوقت اگر کمیانی بخواهد بعد از پنجسال امتیاز را پس بدهد مملکت چک و اسلاوا هشتاد میلیون کرن فایده برده است زیرا که سی میلیون کمیانی بدولت داده است و پنججاه میلیون صرف مغایر شده است و در حقیقت باهالی تقسیم شده است حالا بعد از آنکه این دو ماده را تطبیق کنیم آیامی توانیم برای خیر این مملکت شبیه باو فریادی منظور داریم در این ماده می نویسد کمیانی ها باندازه پنججاهی که در مملکت چک و اسلاوا کرده می شود فایده ببرد باید رعایت حال ما را بیشتر بکند اینجا متاسفانه در حساب بنسبت نه کورس پیش رفته و در فریاد هم از همه جا عقب مانده اگر راجع بیک نکت سهم معانی است که بنا نمیرسد در صورتی که بنسبت مرغوب تر است و مغایر جش کمتر و منافع بیشتر است اگر تناسب بود ما بایستی صد پنججاه سهم معانی بگیریم حالا صد سی سهم هم نداریم و از برای مغایر اولیه هم ششده هزار دلار هم در یک مملکت وسیعی خرج بشود تازه ما چه منافعی رسیده است و بیشتر آنرا هم بیهوده خرج کرده است اگر آقایان فراموش نفرموده باشند مکرر این مسئله گفته شده است در چندین قبل که امتیاز نقطه مطرح بود همه مردم آن را با پشت و حسن تلقی کردند آنوقت گفته می شود که کار گرای این مملکت بزودی مشغول کار میشوند و اجرت میگیرند و از بیکاری خلاص می شوند حالا بعد از آنکه در کمیسیون قرار دهند که در عوض ششده هزار دلار مصرف شود بایست ببینم باهل

نامه را مقایسه کنیم می بینیم که آنها همه اهل خبره بودند متخصصین داشتند حساب خودشان را کرده اند از طرف دیگر نظرم هست که در یکی از مواد قبل که راجع به فرجه بود آقای مخبر گویا از طرف قوام السلطنه جوابی داده اند و فرمودند در مملکت ما نقطه خیلی زیاد است و وقتیکه دوسه تا نجاه بکنند کافیست و مساوی است با پنججاه چاهی که در مملکت چک و اسلاوا کرده می شود بنا بر این ما محتاج به حفر چاه زیاد نیستیم همینقدر دو سه چاه کنده شد و چنانکه اشتباهیکه در نقطه جنوب یا قره تو که بدبختانه جزء مملکت ما نیست چاه کنده اند سه چهار چاه کفایت می کند بطوریکه مجبور می شوند بواسطه زیادتی فوران نقطه در چاهها را بگیرند این را هم بنده فراموش نمی کنم پس زحمت در مقابل اجر است در مملکت چک و اسلاوا کمیانی باید پنججاه چاه بکند تا نقطه باندازه دو در سه چاه ما خارج میشود ببرد ما یک جای سهل و ساده باو بدهیم که کمتر زحمت بکشد و زیاد تر فایده ببرد وقتی من حساب می خواندم تناسب مستقیم و معکوس دیده بودم اما نسبت کار را با اجرت معکوس ندیده بودم و می گفتند نسبت کار و اجرت مستقیم است نه معکوس یعنی هر قدر کار بیشتر بکنی فایده بیشتر میبری اما حالا معلوم می شود که این نسبت هم تغییر کرده است و برعکس شده است و قانون حساب هم بهم خورده هر چه زحمت شخص زیاد تر باشد و جنش مرغوب تر باشد قیمت و فایده اش در مملکت کمتر شده وقتی کمیانی در اینجا سه چاه بکند و از آن چاه ها باندازه پنججاهی که در مملکت چک و اسلاوا کنده می شود فایده ببرد باید رعایت حال ما را بیشتر بکند اینجا متاسفانه در حساب بنسبت نه کورس پیش رفته و در فریاد هم از همه جا عقب مانده اگر راجع بیک نکت سهم معانی است که بنا نمیرسد در صورتی که بنسبت مرغوب تر است و مغایر جش کمتر و منافع بیشتر است اگر تناسب بود ما بایستی صد پنججاه سهم معانی بگیریم حالا صد سی سهم هم نداریم و از برای مغایر اولیه هم ششده هزار دلار هم در یک مملکت وسیعی خرج بشود تازه ما چه منافعی رسیده است و بیشتر آنرا هم بیهوده خرج کرده است اگر آقایان فراموش نفرموده باشند مکرر این مسئله گفته شده است در چندین قبل که امتیاز نقطه مطرح بود همه مردم آن را با پشت و حسن تلقی کردند آنوقت گفته می شود که کار گرای این مملکت بزودی مشغول کار میشوند و اجرت میگیرند و از بیکاری خلاص می شوند حالا بعد از آنکه در کمیسیون قرار دهند که در عوض ششده هزار دلار مصرف شود بایست ببینم باهل

مملکت ما چه میرسد با وجود اینکه چاهها بکنند و عملی بکنند هیچ چیز با آنها نمیرسد پس بر خودم حتم دانستم مردم را از اشتباه بیرون بیاورم آن تصویریکه بنده اول می کردم هر چند ناخوش بودم ولی در رختخواب که این مسئله را شنیدم خیلی خوشوقت شدم بجهت اینکه آن روز اینطور گفته می شد که صد سی و دو بامنافع می دهند و دولت سیصد هزار نفر کار گرم مشغول کار می شوند و بعد از شش سال هم اگر امتیاز لغو شود یک جماعتی پنج شش سال راحت بودند حالا می بینیم که صد سی و دو که ما مثل نقطه جنوب که صد شانزده شده است . . . .

**حائری زاده -** بختیاری ما هم سهم میبرند

**سلیمان میرزا -** سهم های معلی هم که حائری زاده فرمودند اضافه دارند دیگر اینکه صد سی سهم معانی ندارد پنججاه میلیون هم در مملکت ما خرج نمیکنند که بگوئیم اگر امتیاز لغو شد لااقل چند میلیون در مملکت باهالی منفعت رسیده است و این مغایر هیئت اکتشافیه هم بصرف مهندسین خودشان می رسد که البته ایرانی نخواهند بود و این چند نفر مهندسین در کمال خوبی عرض و طول مملکت را می بینند نقشه ها می هم از مامان نقطه بر میدارند

البته نظر سیاسی در او نخواهد بود و بر فرض این هم در ۲ سال ششده هزار دلار خرج کنند تازه اهالی مملکت مایک دینار استافاره نکرده اند

غیر از این که یک زحمت تازه که بمملکت فلان شخصی وارد شوند بگویند ما می خواهیم اکتشافات نقطه کنیم و اسباب اشکال برای مردم فراهم بیاورند زیرا تمام املاک که خالصه نیست مال مردم هست بعد از سه سال هم کمیانی بیاید و بگوید که معنی نقطه در این نقاط یافت نمی شود

آنوقت تازه امتیاز لغو می شود در این امتیاز هیچ ماده صریحی ندارد بجز این است که امتیاز نامه امضا شد ظاهر امر اینست که کمیانی سهام را منتشر خواهد کرد در صورتی که تکلیف این سهام هم در این ماده معین نشده و خیلی منت هم بسرما می گذارد که آمدیم فلان قدر خرج کردیم و چیزی هم مکشوف نشد حالا که نیاز پیشنهاد می کنند بک ولایت را باواگذار میکنند جواب گفته می شود که بروید صد سی از سهام بخرید آنوقت هب صد سی باصده پنججاه را فراهم نماند که وقتی صد سی داشته باشیم در هیئت اداره کنندگان ما بهیچ وجه اکثریت نخواهیم داشت ما باید سی کنیم که در این امتیاز بیشتر از نصف



سهام داشته باشیم صد پنجاه یا صد شصت یا بیشتر که در موقع گفتگوی هیئت اداری ما اکثریت داشته باشیم اینهم که نیست و صدی هم که اهالی مملکت بخیرند باز اکثریت ندارند آتهائی که می دانند انشاء الله ما هم نمی دانیم آتهائی که متخصصین دارند صد سی را معائناتی می گیرند و بعد از این هم يك قسمت دیگر سهام پیدا می کنند و با جزئیات مفصل این جا می نویسند که در همه مواقع آن ها محکوم واقع نشوند اما از این مسئله امتیاز فقط و سایر امتیازاتیکه در این مملکت گرفته شده

تجربه گرفته ایم اگر بنده زیاد در این موضوع حرف بزنم حق دارم زیرا که پنجاه سال امتیاز معادن نفت پنج ایالت مملکت ما از دست ما می رود حالا ببینیم این گنج که یکی از منابع بزرگ ثروت ما است آنرا در مقابل چه می دهیم مثل اولاد یعقوب علیه السلام باشیم که برادر خود را در مقابل چند پول قلب فروختند بایستی به بینیم که در مقابل چه میگیریم

**یکی از نمایندگان** این مربوط به اینجانب بود

**سلیمان میرزا** چرا يك تاریخچه بود که مانع و راجع نداشت که آقایان تعجب کردند بنا بر این بنده عرض میکنم که این ماده نواقص زیاد دارد و مشغول تهیه چندین پیشنهاد بودم اول اینکه ما باید حتماً سهام

مجانی داشته باشیم حالا شاید آقای مغیر یا سایر موافقین بفرمایند که آن یکدولت اروپائی است وسائل حمل و نقل و سایر تسهیلات در آنجا فراهم است بنده هم در عوض قول خودشان را سند می آورم باید در آنجا ۵۰ چاه بکنند تا نفت بیرون بیاید ولی در اینجا سه چهار چاه کفایت میکند این جبران آن مطالب را میکند در هر حال بنده طرفدار هستم که يك سهام مجانی بین صدبیت و صد سی باشد اول بدولت بدهند که يك مبلغی بر سرمایه مملکت افزوده شود بجهت اینکه مابقی فوایدش هنوز معلوم نیست بعد از ۸ سال و ۱۰ سال دیگر مثل نفت جنوب سکه همه مسبقاً و هاهازده نصرت الدوله از همه بیشتر اطلاع دارند زیرا تمام ترتیبات آنرا دیده اند و در این خصوص هم برای گرفتن یک مقدار پولیکه میخواستند آنها ندهند يك خدمتی کرده اند بعد از چندین سال عملیات تازه اگر فایده بدهد صد ۱۶ بما میرسد بنده عقیده خودم را شبیه میکنم با امتیاز دیگری که بهمین کمیانی استاندارد داده شده است و او قبول کرده است ممکن است گفته شود که بکنیم کمیانی قبول میکنند و دیگری قبول نمیکنند در آن امتیاز معائناتی ۳۰ بدولت می دهد و آنچه که راجع باین ماده است بنده لازم میدانم يك مبلغ زیادی ذکر شود مثلا قید شود

که در این مدت سه سال که از برای عملیات اکتشافیه است لا اقل دوسه میلیون مصرف کند که اگر سه سال گذشت و امتیاز ملتی شد يك مناقصه با اهالی مملکت رسیده باشد بلاوه یادآوری میکنم باید همانطوریکه تکلیف سهام در امتیاز چک و اسلوا معین شده است در اینجا هم معین شود و اگر کمیانی خواست ملتی کند باید اول بدولت اظهار کند دولت هم حق خرید سهام کمیانی را مطابق شرایطیکه ذکر شده است خواهد داشت الخ اگر بنا بر این ترتیبات بشود بصره مملکت است والا گمان میکنم که این يك امتیازی است مثل نفت جنوب در زمان ناصرالدین شاه یا قبل از آن داده شده است ما شاید در بعضی مواد آن اشکالات داشته باشیم اهالی خوب بهتر می دانند که گرفتار چه صدمه هستند و راجع بآن امتیاز حالا که مجلس دارید مثل کارهای زمان سابق نکنیم يك امتیازی می دهیم برای اینکه بعد از چندین سال دیگر وقتی سکه اهالی شمال متذکر می شوند که گرفتار چه صدماتی خواهند شد و مملکت تلفت خواهد شد که از این امتیاز نه در دست استفاده کرده

است و نه اهالی بلکه يك امتیازی بوده است که سه سال احتکار شده است و ما چندین ماه وقت مجلس را تلف کرده ایم پس از سه سال چون حق دارند ممکن است رد کنند و تازه امتیاز خود ما را سه سال احتکار کرده ایم زیرا اگر نظر بیاخته کار نباشد چنانکه در امتیاز چک اسلوا می گوید من فلان مبلغ خرج میکنم و فلان مبلغ سهام بدولت می دهم اینها خودش يك علاقه مندی است که تاجر را علاقه مند میکند که از سرمایه خود صرف نظر ننماید و کار را ادامه دهد ما از برای این فصل هفتم یا سایر مواد اینقدر تاجر را علاقه مند ببقیه بنده نکردیم که لا اقل بهر چیز جزئی و بهر مختصر توجهی از اینطرف با آنطرف برای اشکال این ماده فوراً مستمسک باین ماده نشود بنده خبر مملکت را در این می بینم که اینطور باید صاحب امتیاز را علاقه مند و گرفتار کنیم که پول خرج کند تا آن سوء ظنی که در خارج است که در اینجا از نظر احتکار است از بین برود زیرا از بزرگترین کمیانی های نفت این جمله را نقل میکنند که بهترین انبار های نفت در زیر زمین وزیر کوهها است برای کمیانی زیرا که در زمین و کوهها نه مستحفظ لازم دارد و نه حریقی اتفاق می افتد اگر شخصی بتواند نفتها را اینطور احتکار کند و در موقع مصرف نماید بهترین ترتیب برای دخل و منفعت است بنده این جمله را شنیدم و گمان میکنم گفته است زیرا از اشخاص مطلقاً شنیدم و از عملیات آنها هم پیدا است مثلا اگر اقل چاههای نفت جنوب را بسته است برای اینکه يك روزی آن را بشویند

بنده هم عرض کردم قانون عرضه و تقاضا این احتکار را ایجاد می کند بنابراین همان طور که طرف مقابل برای خودش فکر می کند ما هم باید تمام احتمالات را تصور کنیم و جلو گیری از آن را پیش بینی کنیم البته علم غیرا خدا می دانند ولی ما هم باید حدسی بزنیم و پیش بینی کنیم که اگر خواستند احتکار کنند ما منافع خودمان رسیده باشیم یعنی دولت سی کرور گرفته باشد و با اهالی هم يك منافع رسیده باشد این بود ملت مخالفت بنده

**رئیس الوزراء** - آقایان مستحضر هستند مأموریتی که در بدو امر بدولت داده شد این بود که بایک از کمیانی های امریکائی راجع باعطای امتیاز نفت شمال داخل مذاکره شود البته اگر مجلس بدولت مأموریت میداد که از تمام ممالک اطلاعاتی تحصیل نموده و معادن نفت خود را به عرض مزایده بگذارد ممکن بود مشتری های دیگری پیدا کنند ولی مأموریت دولت از طرف مجلس شورای ملی محدود بود یعنی فقط دولت اجازه داشت با کمیانیهای امریکائی مذاکره کند بهمین جهت قریب یکسال دولت در امریکا مشغول مذاکره بود و غیر از دو کمیانی که یکی استاندارده اوایل و دیگری سنیکلد باشد نتوانست کمیانی دیگری پیدا نماید و اینطور بهمین که کمیانی دیگری در امریکا داوطلب این امتیاز نیست بنابراین واگذاری امتیاز منحصر میشود به استاندارده یا سنیکلو و چنانکه خاطر نمایندگان معترم مسبق است این دو کمیانی پیشنهادهایی بدولت داده اند که با اطلاع آقایان رسیده است مسلم است دولت باید سعی کند منافع خود را بیشتر تأمین کند لیکن بدیهی است کمیانی هائی هم که امتیاز را از دولت می گیرند منافع خود را منظور خواهند داشت این امتیاز يك موضوع تجارتهائی است و البته هر کمیانی که برای استخراج نفت از مسافت بیهیمی بیاید و مبالغ زیادی خرج کند و عملیاتی بنماید باید باز سرمایه خود بهر منته شود باید دولت صاحب امتیاز بایک دیگر توافق بکنند تا تراضی حاصل شود و بر روی يك حقوق معین برای دولت و فوائد معلوم برای کمیانی امتیاز اعطا شود آقای ناطق محترم اشاره فرمودند که امتیاز چک اسلوا و ایراد فرمودند که چرا پیشنهاد دولت مزایده را که در امتیاز نامه چک اسلوا ملحوظ شده است متضمن نیست من در مقدمه بیانات خودم عرض کردم که امتیاز دولت به کمیانیهای امریکائی پیشنهاد کرده است ولی فقط دو کمیانی امریکائی بدولت داخل مذاکره شدند که اگر نظر آقایان باشد در پیشنهاد کمیانی استاندارده هر جا ذکر استاندارد شده مخصوصاً تصریح شده است کمیانی استاندارده اوایل بیوجوزی و آن کمیانی که از دولت

چک اسلواك امتیاز گرفته است کمیانی استاندارده اوایل نیویورک است حالا چرا امتیازی که بهتر از این امتیاز است باید جهت خصوصیات آنرا تحت نظر آورد آنچه من اطلاع دارم کمیانی استان دار نیویورک در اروپای مرکزی تأسیسات و امتیازات دارد و تأسیسات او بمملکت چک اسلواك نزدیک و بهمین جهت قادر است يك فواید بیشتری بدولت چک اسلواك بدهد و منافع بیشتری هم برای خود تأمین نماید نکته دیگر که قابل توجه است این است که کمیانی استان ندارد اوایل نیویورک فقط امتیاز نفت را از دولت چک اسلواك گرفتار است بلکه حق انحصار فروش و معامله نفت را در مملکت چک اسلواك داده شده است درست در نظر ندارم که در امتیاز استاندارده نیویورک این مطلب تصریح شده است یا نشده است . . .

**نصرت الدوله** - تصریح شده است .

**رئیس الوزراء** - ولی مطابق تحقیقاتی که از مطلعین کرده ام می دانم امتیاز فروش و معامله و حمل و نقل نفت در آن مملکت بکمیانی مزبور اعطا شده و بلاحظه این انحصار و خصوصیات دیگر که اشاره کردم کمیانی استاندارده نیویورک شرایط بهتری را برای آن دولت قبول کرده است در هر حال آقایان تصدیق بفرمایند که این معامله دو طرفی است دولت باید سعی کند فواید خود را بیشتر تأمین کند ولی امتیاز را از دولت اگر دیدند تکالیف دولت برای آنها ضرر دارد البته نمی شود آنها را مجبور کرد که حتماً پیشنهادات دولت را قبول کنند این مسائل را که من عرض میکنم نتیجه مطالعاتی است که در اینکار کرده ام و مخصوصاً از رئیس کل مایه هم که جدیداً وارد شده است

تحقیقاتی کرده ام نظر باینکه مشارالیه اوقاتی که در واشنگتن بوده در مسائل کارهای نفت در ادارات دولتی باور جوع میشده است بمنخصی نفت معروف شده و وقتی که من پیشنهاد دولت را با نشان دادم گفت خیلی خوب است ولی ملاحظاتی ذیل را بمن خاطر نشان کرد

اولاً يك تغییرات جزئی بنظرش رسیده بود که بنده در کسب و کار عرض میکنم و البته مورد توجه خواهد شد .

ثانیاً اظهار نمود که موضوع امتیاز يك ربط مستقیم و کاملی با اصلاحات مایه دارد .

ثالثاً میگفت باید خیلی دقیق باشی

که امتیاز را طوری ترتیب بدهید که کمیانی ها بتوانند قبول بکنند انوسوس دارم که مقرر نمایند فقط شمال يك کنج خدادادی است که برای یکبار از دست داده می شود .

اولاً باید تصدیق کنید که کنج بودنش وقتی می شود که فقط کافی و بمقدار تجارتهائی ایران استخراج شود .

ثانیاً معلوم نیست که این کنج خداداد در جاهای دیگر نباشد و هنوز معین نیست که معادن نفت ما پر مایه تر از معادن نفت سایر ممالک باشد و اطلاعات مغفلی که متخصصین و غیرگان معرفه الارض میدهند آتقدر قابل اعتماد نیست که مقتضی باشد فعلاً مورد مذاکره شود بر فرض که کنج خداداد باشد نظیر آن در سایر نقاط هم موجود است حالا به بینیم در آن نقاط به چه ترتیب دولت استفاده می کند مثلا در امریکا دولت حق سکه از معادن نفت میگیرد چند قسم است حداقل آن صد پنج و حداکثر آن که در تان دولت استفاده میکنند صدبیت و پنج است باید دید چه خصوصیات سبب می شود که حق دولت را زیاد یا کم میکند فرض کنید در يك نقطه کمیانی امتیاز گرفته است و چاه حفر کرده و نفت را بمقدار تجارتهائی استخراج کرده است اگر کمیانی دیگر در همان خطوط نفت خیز و در همان زمین از دولت امتیاز بخواهد چون مسلم است فقط کافی استخراج می کند در آنجا دولت صدی دوازده و نیم حق میگیرد اگر فرض کنیم معادن فقط يك ناحیه را بکمیانی واگذار کرده اند و در مدت امتیاز خود فقط کافی استخراج کرده پس از انقضای مدت امتیاز مثلا سی سال یا پنجاه سال نفت بهمان حالت باقی بوده و تمام نشده است دولت وقتی آن معادن را بکمیانی دیگری دهد چون نفت حاضر و موجود است و تأسیسات آن دایر است دولت صدی ۲۵ حق می گیرد باز برای مزید اطلاع آقایان عرض میکنم در کانادا مثلا حق دولت باین ترتیب اخذ می شود در پنج سال اول بعد از استخراج که اقل صد و دو نیم و حد اکثر صد ۵ در پنج سال دوم حد اقل صد ۵ و حداکثر صد ۱۰ و بعد از سال دهم از صد ده اضافه نمی شود همینطور در جاهای دیگر غالباً صد ۵ و صد ۱۰ است و صد ۲۵ آنچه من اطلاع دارم فقط در جاهائی است که نفت بیرون آمده و مدت امتیاز تمام شده است در خانه عرض می کنم حقیقه برای دولت معین شده است حق کمی نیست در پیشنهاد دولت طریقته اخذ حق دولت بدو قسم پیش بینی شده است باین ترتیب که یا از عایدات خالص صد ۱۶ گرفته شود یا از عین نفت صد ۱۰ تا بعد از تصویب مجلس دولت مطالعات هیئتتری بوسیله متخصصین بکنند و بین صد ۱۶ از

عایدات خالص یا صد ۱۰ از عین نفت هر کدام برای دولت بیشتر مقرون بصره باشد آنرا اختیار نماید و اینکه می فرمایند وقتی این امتیاز بمجلس پیشنهاد می شد سرمایه های عمده بمملکت وارد می شود و برای مردم کار پیدا می شود و اهالی مملکت استفاده میکنند تصدیق میکنم که این مذاکرات غالباً می شود ولی هیچوقت گفته نشد که فوراً بعد از دادن امتیاز سرمایه ها وارد می شود و بلا فاصله مردم بکار می افتند البته در يك چنینکار هم واساسی طول مدت لازم است ممکن است سه سال پنج سال وقت لازم داشته باشد البته نباید از طول مدت مایوس شد و نباید گفت که چون اینکار پس از چند سال شروع می شود باید بهمین حال ماند و اقدامی در آن نشود اگر این عقیده را داشته باشیم مثل این است که هر وقت بخواهیم يك نقشه راه آهن طرح کنیم و سرمایه عمده برای اینکار حاضر کرده باشیم همین قدر که متوجه بشویم که راه آهن برای ده سال بعد دایر می شود فوراً از يك چنین کار مهمیکه مایه سعادت و آبادی مملکت است صرف نظر کنیم اما راجع بمشله ۶۰۰ هزار دلار باید عرض کنم که این مبلغ حد اقل مخارجی است که برای عملیات اکتشافیه صرف می شود ممکن است در ظرف همان مدت برای حفراه و عملیات امتیاز بیشتر از این مبلغ خرج کنند ولی این يك نوع بود که ما خواستیم پیش بینی کرده باشیم که مخصوصاً اگر کمیانی آمد گفت عملیات اکتشافی کرده ایم و نفت پیدا نکرده ایم او را ملزم کرده باشیم که برای اینکار ۶ هزار دلار در حد اقل خرج کرده باشد

( بعضی گفتند مذاکره کافی است )

مغیر - برای اینکه اشتباهی برای آقایان تولید نشود قبل از کافی نبودن مذاکرات باید توضیح بدهیم موضوع مذاکره در ماده (۷) است و ماده ۷ هم فقط راجع به سه سال اول و عملیات اکتشافیه خبرگان صاحب امتیاز است و همان شرایط معین شده است لهذا پیشنهاد می میکنم ماده واحده ذیل را که مشتمل بر تغییر و انتصاب مشارالیه است بقدرت تصویب فرمایند که اجازه استخدام شخص اخیرالذکر صادر شود ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب می نماید بجای مستر کار که در قسمت هشتم از ماده اول قانون مورخه ۲۰ سنبله ۱۳۰۱ مذکور است مستر جنس نیمه امریکائی با همان حقوق و شرایط مقرر در قانون فوق الذکر استخدام شود

**رئیس** - تقاضای فوریت شده است ( بعضی گفتند مخالفی نیست )

**رئیس** - آقایانی که فوریت را تصویب می کنند قیام فرمایند ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد نسبت باین ماده واحده مخالفی نیست؟

دیگری از قبیل مرحله ماده (۷) که مدت ۳ سال را پیش بینی کرده است برای اینست که در آنجا محتاج نیستند يك اقداماتی مقدمه برای معلوم نمودن وجود و عدم وجود نفت بنمایند در آنجا وقتی امتیاز می دهند با يك چاههای استکه سابقاً در آنجا کنکار کرده اند یا يك نواحی استکه در آنجا چاههای دیگری هم هست که تقریباً مسلم است در آن نواحی نفت موجود می باشد در صورتی که ما این ۳ سال را مرحله تحقیقات اکتشافی و سطح الارضی قرار می دهیم نباید اینها را با هم مخلوط کرد

**رئیس** - مذاکرات کافی است ( گفتند کافی است )

**رئیس** - بقیه مذاکرات راجع بامتیاز نفت می ماند برای جلسات بعد

پیشنهاد آقای سلیمان میرزا هم ترائت می شود

( شرح ذیل قرائت شد )

این بنده پیشنهاد میکنم کمیانی در مدت ۳ سال اول عملیات خود لا اقل مبلغ دو میلیون دلار پول امریکا برای مزد عملیات یا مصالح کار یا لوازم نقشه برداری مخارج خواهد نمود در صورتی که بعد از مدت ۳ سال عملیات اکتشافیه خبرگان صاحب امتیاز معام نمودند که فقط بمقدار کافی وقایع تجارت که مستلزم تعقیب عملیات باشد در ایالات و ولایات اربیه یافت نمی گردد

( مستشار السلطنه - لایحه راجع به استخدام مستر جنس را بضمون ذیل قرائت نمودند )

در تعقیب قانون موضوعه جلسه ۲۰ سنبله ۱۳۰۱ نظر باینکه از هشت نفر متخصصین امریکائی که برای وزارت مایه استخدام شده اند مستر کار که برای مأموریت ولایات انتخاب گردیده بود مستعفی و بجای مشارالیه مستر جنس با همان شرایط معین و از طرف وزارت امور خارجه اتانوزی معرفی شده است لهذا پیشنهاد می میکنم ماده واحده ذیل را که مشتمل بر تغییر و انتصاب مشارالیه است بقدرت تصویب فرمایند که اجازه استخدام شخص اخیرالذکر صادر شود ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب می نماید بجای مستر کار که در قسمت هشتم از ماده اول قانون مورخه ۲۰ سنبله ۱۳۰۱ مذکور است مستر جنس نیمه امریکائی با همان حقوق و شرایط مقرر در قانون فوق الذکر استخدام شود

**رئیس** - تقاضای فوریت شده است ( بعضی گفتند مخالفی نیست )

**رئیس** - آقایانی که فوریت را تصویب می کنند قیام فرمایند ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد نسبت باین ماده واحده مخالفی نیست؟

دیگر از قبیل مرحله ماده (۷) که مدت ۳ سال را پیش بینی کرده است برای اینست که در آنجا محتاج نیستند يك اقداماتی مقدمه برای معلوم نمودن وجود و عدم وجود نفت بنمایند در آنجا وقتی امتیاز می دهند با يك چاههای استکه سابقاً در آنجا کنکار کرده اند یا يك نواحی استکه در آنجا چاههای دیگری هم هست که تقریباً مسلم است در آن نواحی نفت موجود می باشد در صورتی که ما این ۳ سال را مرحله تحقیقات اکتشافی و سطح الارضی قرار می دهیم نباید اینها را با هم مخلوط کرد



بمالکین که قادر باصلاح ملک خود نیستند داده میشود و جنس هم تنزل داده میشود که ممکن است مالک در سال آینده با اسم نبرد از رعایای بیچاره بگیرد در هر حال این توضیحات بنده بود و در ضمن می خواستم عرض کنم مقصود ما این نبود که برود در يك چاهی دفن شود

محمد هاشم میرزا - بکمیسیون ارومیه

نرفته است

سلیمان میرزا - بنده هم سر کار والا عرض کردم ارومیه و بیشتر از يك هفته است بکمیسیون ارومیه نرفته است که شاهزاده محمد هاشم میرزا هم عضو نیستند در هر حال کمیسیون های مربوط که کمیسیون ارومیه هم جزو آن است بایستی برود و این لایحه را زودتر تمام کنند و بنده می خواستم استدها کنم که يك مطالعه برای رفع نواقص آن هم در آن لایحه بفرمایند و اگر اجازه بفرمایند پیشنهاد خودم را عرض کنم که نواقص آن را طوری رفع کنند که آنچه از صندوق فقهای این مملکت بفقرا می دهیم که از سختی و گرسنگی تلف نشوند به آنها برسد و یقین دارم که نظریه تمام آقایان این است که این پول بصاحبان واقعی و فقرا و مستحقین برسد.

رئیس - آقای حائری زاده

( اجازه )

حائری زاده - بنده راجع بدستور عرض دارم. راجع بمالیات سرشماری مدتی است طرح قانون از طرف ۵۰ شخصت نفر از نمایندگان پیشنهاد شده که ملغی شود و منی دانم این مسئله در کدام کمیسیون مانده که به مجلس نیامده است خوب است جز بدستور جلسه آتی بفرار دهند و صحبتی هم در آن نخواهد شد در ظرف دودقیقه دو کلامه بدوات نوشته میشود آن را لغو کنند

رئیس - آقای نجات

( اجازه )

میرزا محمد نجات - بنده راجع باوقات

مجلس عرض دارم حضرت ریاست . .

رئیس - عده برای مذاکره کافی

نیست .

نجات - پس در جلسه فردا عرض

می کنم .

( مجلس يك ربع ساعت بعد از

ظهر ختم شد )

رئیس مجلس - مؤتمن الملک

جلسه ۸۱

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه هشتم

قوس ۱۳۰۱ مطابقه

دهم ربیع الثانی ۱۳۴۱

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست

آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم چهارشنبه هفتم قوس

را آقای امیر ناصر قرائت نمودند